



بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران | صفحه ۲

سال ششم | شماره هفتاد و چهار | نیمه دوم بهمن ماه ۱۳۹۷ | زانویه ۲۰۱۹

عملکرد هیأت محبین
اهل بیت (ع) در مراسم
فاطمیه



صفحه ۳

دکتر فتح الهی معاون پژوهشی دانشگاه در گفتگو با چشمه:

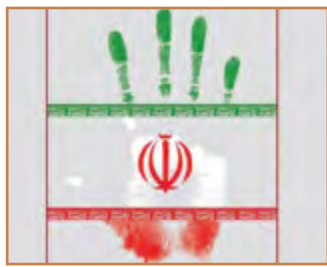
اگر روحیه انقلابی نبود، کشورمان به زانو در می آمد

صفحه ۴ و ۵



اولین گردهمایی فارغ التحصیلان
دانشکده علوم انسانی

صفحه ۷



انقلاب امی و جمهوری ملی

صفحه ۶

گمشده



صفحه ۸

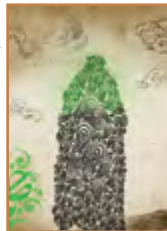
از آب گل
آلود، ماهی
بگیر!

صفحه ۹



غم دلگیر نبودنت

صفحه ۱۰



اعتماد به نفس
ملی و خودباوری

صفحه ۱۱



به مناسبت جشن
چهل سالگی
انقلاب

صفحه ۱۲



عند ربهم یرزقون



دانشگاه رجوع کنند و کارشناسان این واحد بر اساس تقاضای مربوطه، کارها را از بخش مربوط به آن شامل امور کنسولی، امور دانشجویی و امور آموزشی پیگیری می کنند تا دانشجویان



ادامه در صفحه سه

گردهمایی دانشجویان بین المللی دانشگاه برگزار شد

در این نشست دکتر شجاع الساداتی رئیس واحد بین الملل دانشگاه ضمن خیر مقدم به دانشجویان غیر ایرانی حاضر در جلسه به معرفی کوتاهی از دانشگاه تربیت مدرس و رتبه این دانشگاه در میان دانشگاه های کشور و دنیا پرداخت.

رئیس واحد بین الملل خطاب به دانشجویان غیر ایرانی حاضر در جلسه گفت: شما نه تنها دانشجویان این دانشگاه، بلکه مهمان ما در ایران هستید و در فرهنگ ایرانی و اسلامی، مهمان جایگاه عزیز و بزرگی دارد و ما نیز این جلسه را برگزار کردیم تا نظرات شما را مورد ارزیابی قرار دهیم که آیا میزبان خوبی برای شما بوده ایم یا خیر؟

وی همچنین با اشاره به فرایند پاسخگویی به تقاضای دانشجویان بین المللی گفت: در حال حاضر رویه به این صورت است که دانشجویان بین المللی باید برای تمامی کارها شامل امور دانشجویی و رفاهی، آموزشی و کنسولی خود به واحد بین الملل

اینکه همه یکدل و یک صدا، همه با یک هدف و آرمان، همه شجاع و بی باک و همه فداکار و از خود گذشته بودند؛ همه که می گوئیم یعنی نوع مردم یعنی اکثریت مردم.

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس با اشاره به داستانی که در صحیفه نور آمده گفت: حضرت امام (ره) با اشاره به جریان پیروزی که در روزهای اولیه انقلاب یک کاسه پول خرد در دستش گرفته بود، می فرماید: آن گونه که برای من نقل شده است مردم اول گمان می کنند که او دارد تکدی گری می کند، وقتی از او سوال می کنند، پیروز می گوید این ها را آورده تا در اختیار کسانی بگذارد که حیانا می خواهند از تلفن عمومی استفاده کنند، اما پول خرد ندارند! نمونه هایی از این دست بسیار است. بعد امام می فرمایند هر چند این در ظاهر امر کوچکی است اما در باطن خیلی بزرگ است و نشان از همان تحول عظیم در جان و روح انسان ها دارد.

فلاح رفیع در ادامه گفت: اگر قرار باشد ظهور امام عصر (عج) فرا برسد خدای متعال قادر است

ادامه در صفحه سه

حضور پر شکوه ملت غیور ایران در جشن چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی



حجت الاسلام دکتر فلاح رفیع در جلسه هفتگی خود در بین دانشگاهیان دانشگاه تربیت مدرس در مسجد قدس دانشگاه بیانات مهمی راجع به راهپیمایی پر شکوه ملت ایران در روز ۲۲ بهمن بیان نمود.

ایشان در ابتدا بیان داشت: بحث در زمینه تحولی است که خداوند در ملت ایران ایجاد کرد. حضرت امام (ره) تعابیر زیادی در این زمینه دارند؛ حقیقتی که امام بارها آن را بیان می کردند؛ تحولی که در مردم دورترین نقاط تا مرکز شهرها و تا پایتخت دیده می شد و این امری خارق العاده بود.

بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران



انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی **چهلمین سالگرد پیروزی** خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه‌ی پنجم حیشات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه‌ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه‌ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته

نزدیک خواهد کرد. موارد ذکر شده در بیانیه به شرح ذیل می باشد: ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی پیروزی انقلاب اسلامی؛ آغازگر عصر جدید علم. شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه زنده‌ی انقلاب اسلامی دفاع ابدی از نظریه‌ی نظام انقلابی جمهوری اسلامی و فاصله‌ی میان باید‌ها و واقعیت‌ها انقلاب اسلامی؛ مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه‌ی صفر تقابلی دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار»؛

پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه‌ی عرصه‌ها **برکات بزرگ انقلاب اسلامی**؛ ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی **سه** به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی **چهار** ارتقاء شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم

پنج سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور **شش** افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه **هفت** ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان **هشت** انقلاب چهل ساله و گام بزرگ دوم **نُه** اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالش‌ها و شکست‌مستکبران **ده** جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفته‌ی اسلامی **یازده** نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور **دوازده** فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور **سی و یک** گام دوم و سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده

و اما توصیه‌ها: **یک** علم و پژوهش **دو** معنویت و اخلاق **سه** اقتصاد **چهار** عدالت و مبارزه با فساد **پنج** استقلال و آزادی **شش** عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن **هفت** سبک زندگی

سیدعلی خامنه‌ای
۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۷

به کجا چنین شتابان؟!!



پیمان گودرزی
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت و اقتصاد معدنی دانشگاه تربیت مدرس

دکتر روحانی در نشست مشترک هیأت وزیران با استانداران سراسر کشور: افکار، آرمان‌ها و نظرات حاکمان جامعه باید با اکثریت قاطع مردم همخوانی داشته باشد. نظرات مردم باید مبنای اصلاح امور باشد. پهن:!!جناب پزیدنت روحانی اگر مبنای حرف‌تان تفکر سکولاریسم یعنی جدایی دین از سیاست است، بله حرفتان کاملاً صحیح. اما اگر در مورد حکومت اسلامی

سرگذشت قوم نوح، ابراهیم و بسیاری دیگر از پیامبران و عدم ایمان مردم زمان آنها نمونه‌های عینی این واقعیت تلخ هستند. پس باتوجه به نص صریح آیات و روایات آیا می‌توان نظر اکثریت مردم را به طور «مطلق» مبنای حق دانست؟! روشن است که جواب منفی است. این یکی از تفاوت‌های مهمی است که نظام اسلامی را از نظام دموکراسی و جامعه مدنی (غربی) جدا می‌کند. علامه طباطبایی، در تفسیر خود ذیل آیه آخر سوره آل عمران می‌فرماید: «ملل غرب مسیحی برای اینکه انجیل آنها حکمی و دستوری از حلال و حرام ندارد، پایه تمدن خود را بر اراده و خواست اکثر گذاشتند که هر چه آنها خواستند، حکم مشروع و قانونی نیز همان است تا آنجا که انتحار (خودکشی) از کارهای مشروع آنهاست.» مرحوم علامه تأکید می‌کند که آنچه از آنها می‌بینی جهش صنعتی است نه تمدن اخلاقی و دینی. به عبارت دیگر: دموکراسی، نظامی با چارچوب زمینی است که دائم درحال تغییر و رنگ عوض کردن است اما نظام اسلامی از منظر چارچوب الهی و تا روز قیامت ثابت و غیرقابل تغییر

اما توجه به این نکته ضروریست که هیچ گاه «امام» یک امت اگر نظر اکثریت امت را بر خلاف مصلحت آن مردم ببیند در جایی که احتمال انحراف در مسیر حرکت حکومت اسلامی نباشد لزوماً با آن مخالفت نکرده و اجازه وقوع آن را می‌دهد، مانند این را در تاریخ اسلام

ممد امین جعفری

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی شیمی دانشگاه تربیت مدرس



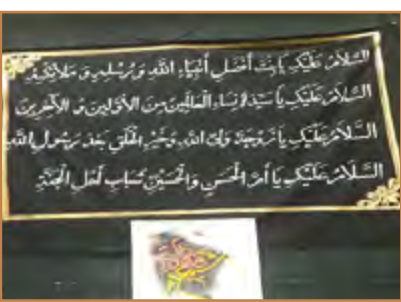
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ آئِبِهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ در شب‌های ۱۳، ۱۴ و ۱۵ بهمن ماه هیات محبین اهل بیت دانشگاه همزمان با ایام فاطمیه مراسم در مسجد دانشگاه برگزار کردند. سخنران‌ها در شب‌های اول و دوم حاج آقا سرلک و شب پایانی حاج آقا هدایت بودند و مداحی مراسم را حاج حمید دادوندی به عهده داشت.

مراسم بعد از نماز مغرب و عشا با تلاوت قرآن و سپس قرائت بخشی از خطبه فدکیه آغاز شد. از جمله برنامه‌هایی مراسم؛ ایجاد غرفه‌های فرهنگی و صلواتی برای پذیرایی و ارائه محتوای فرهنگی به عزاداران بود. هر شب نشریه‌ای که با مسابقه خطبه فدکیه همراه بود در بین عزاداران توزیع و به قید قرعه، به برندگان هدایایی اهدا می‌شد. در پایان نیز از عزاداران با سفره اکرام اهل بیت (ع) پذیرایی شد



طرح جذب خادم الزهرا (س) و سهمی در اطعام مراسم عزاداری فاطمیه

دو هفته قبل از آغاز مراسم، دو طرح با عناوین «خادم الزهرا (س)»؛ هر نفر یک ساعت نذر فاطمیه» و «سهمی در اطعام مراسم عزاداران فاطمیه» اجرا شد که به واسطه اجرای طرح اول، تعدادی از خواهران و برادران به جمع خدام فاطمی پیوستند و در بخش‌های مختلف اعلام همکاری کردند. به واسطه اجرای طرح دوم، مقایری چای، روغن، شکر، قند و خرما از باب نذر در مراسم فاطمیه به هیأت اهدا که در شب‌های مراسم صرف پذیرایی از مهمانان و عزاداران شد.



عملکرد هیأت ممبین اهل بیت (ع)

در مراسم فاطمیه

چای، حلوا، خرما، مسقطی و نبات بود. **نظرسنجی** برگه‌های نظرسنجی در مورد بخش‌های مختلف مراسم شامل سخنرانی، مداحی، پذیرایی، مهدکوک و نشریه میان مهمانان توزیع شد. نتایج نظرسنجی واقعا در بهبود کیفیت مراسم تأثیرگذار خواهد بود.



کاغذهای کالک و شمع‌های الومر در اطراف حوض در صحن مسجد قدس دانشگاه استفاده شد. همچنین مزار شهدا نیز با پارچه مشکی، سرپند و کتیبه آذین و برای فضای داخلی شبستان مسجد هم از پارچه‌نوشته و دست‌نوشته استفاده شد.

در بخش شبستان خواهران، از طراحی صحنه‌هایی در رابطه با شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) با استفاده از در نیمه سوخته، فانوس و نان استفاده شد.



طرح ختم قرآن

با الگو گرفتن از طرح ختم قرآن در میلاد حضرت زینب (س)، در مراسم فاطمیه نیز این طرح به صورت درج یک حزب از قرآن روی بال پروانه‌ها در قسمت راهروی ورودی مسجد سمت خواهران اجرا شد. این طرح پس از پایان مراسم فاطمیه هم ادامه داشت.

پذیرایی ایستگاه صلواتی

بعد از اقامه نماز مغرب و عشا پذیرایی در ایستگاه صلواتی برادران در صحن مسجد و ایستگاه صلواتی خواهران در قسمت درب ورودی خواهران انجام می گرفت که پذیرایی شامل

« سهمی در اطعام مراسم عزاداری فاطمه و هیئت دانشگاه »
شما هم می‌توانید در تهیه فستقنی از وسایل مورد نیاز برای پذیرایی از مهمانان حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مشارکت کنید.

چای	شکر
خرما	روغن
قند	سهمی در اطعام مراسم عزاداری فاطمه و هیئت دانشگاه

شروع طرح: نیمه ۲۹/ ۱۳۹۷
پایان طرح: نیمه ۲۸/ ۱۳۹۸
شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۶۱۵۲۸
شماره تماس: ۰۲۱-۲۱۳۲۳۵۹

هیأت محبین اهل بیت (ع)
TMU/Mohebbin @

حضور بر شکوه ملت غیور ایران در جشن چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی

همین تحول را در مردم ایجاد کند تا روندانقلاب جهانی حضرت تسهیل گردد. ایشان بیان داشت:البته خدای تعال وقتی زمینه را در مردمی ببیند تحول را در آنها ایجاد می‌کند. شما دیدید که مردم بعد از گذشت چهل سال از این انقلاب چه حماسه‌ای را آفرینند! در روزی که تعطیل بود، بارانی و سرد بود، بعضاً زیر بارش برف، مردم از پیر و جوان، کوچک و بزرگ با چنین شرایط جوی و وضعیت اقتصادی که سردتر از وضعیت جوی است حضور باشکوه و ماندگاری را رقم زدند.

حجت الاسلام فلاح رفیع در پایان سخنان خود با اشاره به مسئولیت بزرگ دولتمردان در قبال این ایستادگی ملت بزرگ ایران بر روی آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی گفت:البته و صدالبته حق این مردم آن است که مسئولین با دل و جان برای این مردم تلاش کنند و خدمت مسیر این خدمتگزاران گام بر ندارند توسط همین ملت از پست‌های کلیدی و حساس به زبر کشیده خواهند شد و ننگ ابدی بر دامن آنها خواهد نشست؛ چرا که انقلاب اسلامی همچنان به پیش می‌رود و کسانی که در درون این نظام قصد خیانت و ضربه به آرمان‌های آن را داشته باشند رسوا و از قطار انقلاب پیاده خواهند شد.

گردهمایی دانشجویان بین‌المللی دانشگاه برگزار شد

در واحدها و ادارات مختلف دانشگاه سرگردان نشوند. در ادامه دکتر سعیدی مدیر دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی اظهار داشت: ما در دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی امور مربوط به ویزای دانشجویان را انجام می‌دهیم و پس از آماده شدن ویزای دانشجویان و ورود آنان به ایران، ویزای آنان تبدیل به اقامت دانشجویی می‌شود و نکته حائز اهمیت این است که دانشجویان برای خروج از کشور نیز باید مجوز خروج بگیرند تا دچار مشکل نشوند. در ادامه دکتر یوسفیان مدیر آموزشی دانشگاه اظهار کرد: نقش دانشگاه به عنوان محلی برای تعاملات میان فرهنگی در عصر جهانی شدن، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در کنار تحصیل و امور آموزشی و پژوهشی، رسالت دانشگاه به عنوان نمادی برای تعامل فرهنگ‌هاست و دانشگاه تربیت مدرس برای تبلیغ و ترویج ارزش‌های والای انسانی و اسلامی پیشگام می‌باشد.

گمشده



امد فرهنگ

کارشناس ارشد ادبیات فارسی
دانشگاه تربیت مدرس



صبح جمعه بعد از نماز، کنار گهواره‌ی پسر م روی زمین دراز کشیدم. برنامه‌های پرورشی مدارس یکی یکی از جلوی چشمم رژه می‌رفتند. طرح غنی‌سازی اوقات فراغت تابستانی دانش‌آموزان تازه آغاز شده بود. شب قبل هم تا دیر وقت در ستاد منطقه بودم. این قبیل فکره‌الحظه‌ای رهاپیم نمی‌کرد. سرانجام چشمم گرم شد و پلک‌هایم روی هم افتاد. میان خواب و بیداری بودم که با خرابکاری بچه از خواب پریدم؟! می‌خواستم داد و هوای به راه بیندازم که لبخند نمکین او که نشانه‌ی سبکی و رضایت بود و بال بال زدن‌هایش عنان اختیار از کف من ربود. خم شدم و سر تا پایش را غرق بوسه کردم. مادرش که در آشپزخانه مشغول کار بود، از سروصدای ماچ و قهقهه وارد اتاق شد و گفت: به به! می‌بینم که پدر و پسر مجلس عشق‌ولانه به راه انداخته‌اند! سر و صورتم را نشان دادم و گفتم: چرا که نه؟! شیرین کاری آقا زاده را ملاحظه بفرمایید! همسرم که از خنده ریسه رفته بود، به حمام اشاره کرد و گفت: بپر دوش بگیر که توفیق اجباری روز جمعه نصیب شده است. بعد از استحمام، خانم فرمودند: چایی آماده است، اما نان و پنیر نداریم.

از خانه بیرون زدم تا از خیابان بالایی نان سنگک بگیرم، اتومبیلی مثل قرقی رد شد، پنجاه قدم بالاتر محکم روی ترمز زد و دنده عقب گرفت و جلوی من توقف کرد. شیشه را پایین داد و گفت: به به! ستاره‌ی سهیل واحد اردوها! مشتاق دیدار! خیلی از مرگ ما بیزار شده‌ای که سری به ما نمی‌زنی! بعد هم پیاده شد و مضافه و روبوسی کردیم. آقای تجلیل بود، معاون مدیر کل امور تربیتی. بعد

بعد از آن به طرف دفتر مدیریت اردوگاه راه افتادم. در راه با سروی زاده مسئول امور کتابخانه‌های امور تربیتی مواجه شدم. مردی مهربان و فاضل و پرکار که وجودش عین خیر و برکت است. بعد از سلام و احوال، پرسید: اینجا چه کار می‌کنی؟ قضیه را تعریف کردم. با نقل چند حدیث نتیجه گرفت که یکی از ویژگی‌های مردان مؤمن این است که وسیله‌ی رفع حاجات دیگران می‌شوند. المؤمن حسن المعونه و خفیف المؤمنه. مؤمن خوب یار و کمک کار و کم هزینه است. بعد مکث کوتاهی کرد و با لبخند گفت: شرمندم که این مطلب را می‌گویم، چون شرایط شما را درک می‌کنم. ولی ما هم در وضعیت اضطراری قرار گرفته‌ایم. تابستان است و فصل تعطیلی مدارس و بسیاری از نیروها به مسافرت رفته‌اند. حالا که شما ایثار کرده‌ای و تا اینجا آمده‌ای، کرامت و بزرگواری را کامل کن که گفته‌اند: «الاکرام بالاتمام». اردوی دبیرستانی‌هاست و داریم به طرف شمال می‌رویم. ممنون می‌شوم چنانچه ما را فقط تا اردوگاه میرزا کوچک‌خان رامسر همراهی کنی، نیروهای حاضر در اردوگاه ان شاء الله کمک حال ما خواهند شد و شما می‌توانی تنی به آب بزنی و همین فردا با هزینه‌ی ما به تهران برگردی. هم فال است و هم تماشا! دلم هُری پایین ریخت. توی رودربایستی و عذاب وجدان گیر کرده بودم. نه راه پیش داشتیم و نه راه پس! مکثی کردم و گفتم: خانواده‌ام را چه کنم؟ گفت: خوب تلفن بزنی! با اگراه پذیرفتم و به طرف دفتر رفتم. اما هیچ تلفنی نیافتم که یک صف طولانی در پشت آن نایستاده باشد. وسایل ارتباطی دهه‌ی شصت همین نامه و تلگراف و تلفن ثابت بود. به ناچار برگشتم و موضوع را به آقای سروی زاده انتقال دادم و قرار شد در اردوگاه رامسر تلفن بزنم.

ظاهر به قزوین رسیدیم. کنار یکی از میدان‌های شهر، پارک و نمازخانه و رستوران بود. اتوبوس‌ها در کنار خیابان توقف کردند. قرار شد در عرض یک و نیم ساعت، نماز را به جماعت بخوانیم و نهار بخوریم و برگردیم. بعضی از دانش‌آموزان ساک‌های خود را برداشتند. هنگام برگشت، راننده‌ها مجبور شدند، درهای صندوق بغل را باز کنند. راننده‌ی یکی از اتوبوس‌ها، صندوق بغل طرف خیابان را باز کرده بود. در همین لحظه جوان دوچرخه‌سواری که از کنار اتوبوس‌ها می‌آمد، متوجه این در نشد و با دوچرخه روی آن شیرجه رفت. دوچرخه به سمتی افتاد و خودش به زمین خورد و مثل مار به خود پیچید و آه و ناله سر داد. کسی باور نمی‌کرد که بی‌هوا به در خورده باشد. اثری از شکستگی در او دیده نمی‌شد، خون‌ریزی هم نداشت. نحیف و لاغر بود و همین باعث شد تا هر کس چیزی بگوید. یکی گفت: معناد است و می‌خواهد با جنگولک بازی ما را تلکه کند، دیگری گفت: بی‌اعتنایی کنی تا بروی، سومی گفت: جوان است و جویای نام، با این کار خواست که



۶۶

در راه با سروی زاده مسئول امور کتابخانه‌های امور تربیتی مواجه شدم. مردی مهربان و فاضل و پرکار که وجودش عین خیر و برکت است. بعد از سلام و احوال، پرسید: اینجا چه کار می‌کنی؟ قضیه را تعریف کردم. با نقل چند حدیث نتیجه گرفت که یکی از ویژگی‌های مردان مؤمن این است که وسیله‌ی رفع حاجات دیگران می‌شوند.

توجه ما را جلب کند. چهارمی گفت: بیچاره از گرسنگی دل درد گرفته است، نهار بدهید می‌رود. جوان آسیب دیده فریاد می‌زد که: به خدا معتاد نیستم و دروغ نمی‌گویم؛ دارم از دل درد می‌میرم. به فریادم پرسید! دور از انصاف بود که او را با همین وضع رها کنیم. سریع جلوی یک تاکسی را گرفتیم و به اتفاق راننده اتوبوس، او را به نزدیک ترین درمانگاه رساندیم. بعد از عکس‌برداری معلوم شد که روداش از داخل دچار پارگی و خون‌ریزی شده است. تا پلیس از راه برسد و موضوع را در صورتجلسه کند و مصدوم را به اتاق عمل ببرند، اقدامات لازم را برای تشکیل پرونده‌ی پزشکی انجام دادیم. پلیس هم از راننده مدارک معتبری گرفت تا بعد از تسویه حساب با بیمارستان و پیگیری‌های قانونی، مدارک را برگرداند. شنیدم بعد از اردو، این راننده بارها به قزوین سفر کرده تا توانسته است مدارک خود را پس بگیرد.

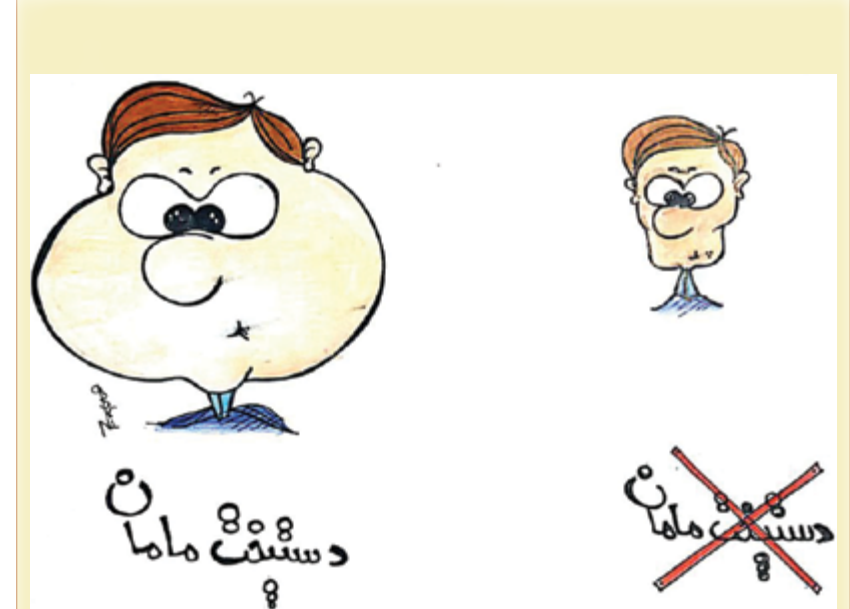
غروب آفتاب آن روز با سلام و صلوات وارد اردوگاه میرزا کوچک خان شدیم. از شهرهای دور و نزدیک در آن جا جمع شده بودند. به هر جایی که امکان داشت، سرد زم‌ولی تلفن خلوت پیدا نکردم. در صف هم نمی‌توانستم بایستم، چون اگر لحظه‌ای غفلت می‌کردیم شیطنت بچه‌ها در دسر ساز می‌شد. آن شب گذشت. فردا هم مشخص شد که اردوگاه نیروی کافی ندارد تا در اختیار قرار دهد. آب از سرم گذشته بود، با خود گفتم هر اتفاقی که باید بیفتد، افتاده است. خانواده که با اخلاق گند من آشنا هستند و حتماً متوجه می‌شوند که در جایی سرم به کاری گرم است. این بود که مشغول کار اردو شدم. هفت روز هفته، با همه‌ی حوادث شیرین و تلخ‌اش گذشت. یک روز ساحل دریا بودیم و یک روز جنگل هزاره‌ی تنکابن، یک روز در بازار شهر بودیم و یک روز فعالیت‌های پرورشی داخل اردوگاه که این‌ها همه خود داستان مفصلی دارد. بعد

ادامه در صفحه ۹

ادامه از صفحه ۸

دیدم عکسی شبیه خودم در آن چاپ شده است. اجازه گرفتم و برداشتم. درست دیده بودم، عکس خودم بود. بالای آن تیتزر زده بودند: گمشده! زیر تصویر هم نوشته بودند: صاحب عکس فوق مردی است سی ساله که در تاریخ فلان برای خرید نان و پنیر از منزل خارج شده و تاکنون هیچ خبری از وی در دست نیست؛ کسانی که از نامبرده اطلاع دارند با شماره فلان تماس بگیرند و خانواده‌ای را از نگرانی نجات دهند.

خبر را به مدیر عوارضی نشان دادم و اجازه گرفتم تا تلفن بزنم. عیالم گوشی را برداشت، تا صدای مرا شنید بغضش ترکید و مثل شیر ژیان حمله‌ور شد و بنای گله و شکایت را گذاشت و گفت: رشته بودی کارخانه‌ی پنیرسازی راه‌اندازی کنی که این قدر طول کشیدی؟ لااقل بیا و طلاقم بده! گفتم: عزیزم می‌خواهم اما به خدا وقت ندارم! حال صحبت چشمم به روزنامه‌ی روز میز خورد.



ن. فدمازادی
دانشجوی کارشناسی ارشد علوم
و مهندسی آب دانشگاه تربیت مدرس

خسته خودم رسوندم خونه، در رو که باز کردم خاله رو دیدم سریع سلام دادم و رفتم آشپزخونه خداروشکر یه قابلمه رو اجاق دیدم درشو که باز کردم دادم به هوا رفت و!!! ای مامان این چیه درست کردی؟"

مامان اومد آشپزخونه؛ چیه مسعودجان؟ گفتم: مامان مگه نمی‌دونی من از باشگاه میام گرسنه‌ام میشه این چیه درست کردی؟! مامان؛ پسرم غداس دیگه! بشین بخور خداروشکر کن، آش به این خوشمزگی! خلاصه تا بشقاب خالی بشه خوردم و غُر زدم آخرشم زدم بیرون، قیافه خاله تا موقعی که در رو ببندم عجیب رو من زوم بود! خب چیه دوست ندارم دیگه!

یادش به خیر دوران دانش‌آموزی رو میگویم، هر چی تو مدرسه و باشگاه حرص می‌خوردم سر غذاهای مامان خالی می‌کردم، تا آخرش می‌خوردم! ولی همونطور که بشقاب رو خالی می‌کردم هر چی به دهنم میومد هم خالی می‌کردم!

الانم منتظرم فرمانده مرخصی رو رد کنه چند روزی رو برم خونه. دلم واسه مامان و بابا لک زده. چندماهی میشه سر بام و خونه نرفتم فقط منتظر به اشاره‌ی فرمانده‌ام!

در رو باز کردم رفتم خونه کسی نبود، طبق عادت همیشه‌گی بدو رفتم آشپزخونه! چشم برق زد در قابلمه رو باز کردم آخ جون آش! به بشقاب کشیدم و خوردم و دوباره و دوباره ... آخرشم ته بشقاب رو با نون تمیز تمیز کردم، آخیش دست پخت مامانم!

برگشتم از آشپزخونه برم بیرون که خاله رو دیدم یا لبخند نگام می‌کرد! منم لبخندی زدم و پریدم بغل مامان. زیر گوشش گفتم مامان جون خیلی خوشمزه بود!

از آب گل آلود، ماهی بگیر!



فریده گیو

دانشجوی دکتری ریاضی کاربردی
دانشگاه تربیت مدرس

دیگه واقعا نمیدونم چی باید گفت. یه عده هستن که تحت هر شرایطی دستشون به دهنشون می‌رسه، یه عده هم هستن که تحت هیچ شرایطی دستشون به دهنشون نمی‌رسه! اما عده‌ی کثیری میان این دو گروه هستن که یه جورایی بالاتکلیفن. بسته به شرایط، به گروه اول یا آخر تعلق میگیرن. به نظر من همین گروه هم خطرناک‌ترین هستن. میپرسی چرا؟

خب منم دقیق نمیدونم ولی خطرناکن دیگه. عده‌ای از این افراد نقاب دارن و همش تلاش میکنن از شرایط به نفع خودشون استفاده کنن یا به اصلاح از آب گل آلود، ماهی بگیرن تا برن تو دسته اول. ولی خب یه وقتایی شناس باهاشون یار نیست و سقوط میکنن تو دسته آخر، درست شبیه بازی مار و پله. همون لحظه که داری میبری یهو اون مار درازه نیست میزنه و میری تو خونه اول و دوباه از نو. آی دل بقیه خنک میشه از بس که با این شش آوردن و جایزه‌هاش خون به جیگر ما آدمای صاف و ساده کردن. البته تو این دسته آدمای خوب هم هستن. منظورم کسانی که صف درست نمیکنن. تا دیروز به زور بلند میشدن برای سحر و خودشون رو هم توجیح میکردن یا اصلا بیدار نمیشن ولی الان خودش میره خورشید خانم رو بیدار میکنه و نفر اول صف ایستاده. ماشاءالله آمار همه جا رو هم داره. اصلا یه تیم تشکیل دادن زبل خان اینجا زبل خان اونجا زبل خان همه جا. آخه مگه قحطی اومده که اینجوری میکنن. اینا فقط به شرطی که از ویتامین‌ها و مکمل‌هایی که تجویز میکنن استفاده کنن! بالاخره این قشر از جامعه هم باید نون بخورن یا نه! البته همه این داستان‌ها فقط برای شهرهای بزرگه و گرنه شهرهای کوچیک خبری نیست چون قناعت کردن رو خوب بلدن.

عاشق اونایی هستم که قرار گذاشتن سال جدید رو بدون تشریفات هر ساله برگزار کنن. فقط موندن اینایی که تو صف هستن از کجا اومدن نکنه از خارج اومدن!

غم دلگیر نبودنت

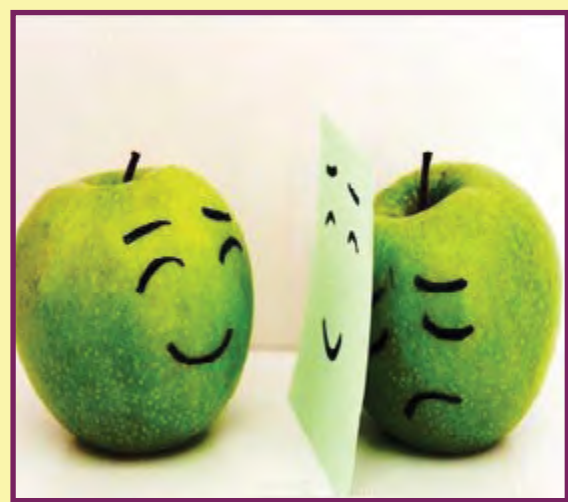


سمنیه امیری
کارشناس ارشد مهندسی گشایری
دانشگاه تربیت مدرس

مولای من این روزها عجیب دلتنگم
برای ظهور حضورت... دلتنگی‌ام به سان
رودخانه ایست که عطشی دارد برای آب،
و در بستر انتظار به سوی دریای ظهورت
مشتاق است، منتظرم برای روزهایی که
عطر عدالتت کوچه‌های دلتنگی‌ام را پر از

کن که قرار است با آمدنت به پا شود...
بیا مثل ستاره‌ای درخشان شب‌های تیره را با
نور وجودت منور کن...
بیا زمین و آسمان را پر از عدالتت کن محبوب
من
گاهی که غرق رویاهایم می‌شوم با خودم
می‌گویم آیا تا ظهورت زنده می‌مانم که
حضورت را درک کنم، یا که اگر از دیار خاکی
به سوی ابدیت کوچ کرده باشم، می‌شود
برگردم و دورت بگردم تا که قربانی‌ات شوم
معشوق من...
آن روز که بیایی دیگر زمین رنگ زمستان را
نخواهد دید...
آن روز ...
دیگر آب‌های یخ زده هم سکوتشان را
خواهند شکست و جان می‌گیرند و روانه
می‌شوند، ساز و نوازی به راه خواهند انداخت
برای آمدنت...
دیگر درختان هم لب به غنچه می‌گشایند
و پر از شکوفه می‌شوند برای سایبان دل
رنوخت...
کوه هم دامن خشکیده و خاکی‌اش را پر از
گل‌های رنگارنگ می‌کند برای فرش زیر
پایت...
آسمان هم با شاپرک‌ها و نسیم خنکش سایه
بانی برای چشمانت خواهد ساخت...
بیا و با آمدنت همه را از غم دلگیر نبودنت رها
کن مولای من....

شادی در زندگی و اسلام



مهسا صمدی فر
دانشجوی دکتری شیمی تمزیه
دانشگاه تربیت مدرس

بر گناهش می‌باشد.» ۳» به یقین شادی و سرور جزء نعمت‌های بزرگ الهی
می‌باشد. همه ما باید طالب چنین نعمتی باشیم. طبق نظام ارزشی اسلام،
مطلوب واقعی در هر چیزی زمانی به دست خواهد آمد که در مسیر مطلوب
نهایی و سعادت ابدی انسان قرار گیرد؛ یعنی اگر شادی‌های دنیاوی انسان
در راستای کمک به شادی اخروی او باشد، بسیار پسندیده و مطلوب است.
مراقب خوشی‌های هر چند کوچک و سالم زندگی‌مان باشیم.

- یا علی...
.....
۱. آیه ۸ سوره غاشیه
۲. آیه ۱۷ سوره آل عمران
۳. (غزل حکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۱۳۶، حدیث ۵۵۴۹)

یوسف فرغ زاد



دانشجوی دکتری باغبانی دانشگاه تربیت
مدرس

بی‌تابی دیدن مناطق عملیاتی
دوباره می‌رسد اسفند از راه
زبانم روی خط بی‌قراری است
گلوی شاعر این شعر زخمی
پر از آوار یک بغض بهاری است
خداي عشق برانگیخت امشب
در استقبال از درد آبرو را

به پای شعر خواهم ریخت امشب
توئی ای عشق ای آب و گل من
من امشب با دلم می‌رویم از تو
دوباره با تمام هر چه هستم
دهانی می‌شوم می‌گویم از تو
بیا اسفند ای محبوبه ماهم
بیا از عشق رو کن هر چه داری

مرا با خود ببر تا شهر باران

بده پایان به این چشم انتظاری

ببر با خود از این سردی به آنجا

که صد خورشید در هر کهکشان هست

برای مرهم دلتنگی من

صدای زخمی آهنگران هست

بیا اسفند ای ماه رسیدن

نوازش کن شکسته سازها را

برای دیدن پرواز این بار

ببر با خود کبوتر بازها را ...

الهام قربانعلی



دانشجوی کارشناسی ارشد سازه های آبی
دانشگاه تربیت مدرس

شیرین‌ترین خاطره آن روزها همینجاست
درست روی میز
و باز حل می‌شود
تنهایی طبیعت
در استکان لب طلایی تو
تاریخ در تو تکرار می‌شود
و هر صبح
دسته گل بر آب می‌دهند
زنوبرهای مهاجر

فعالیت‌های منظم مبتنی بر طرح‌ریزی
در حوزه سلامت در سطح بین‌المللی پس از
تاسیس سازمان جهانی بهداشت در سال
۱۹۴۸ آغاز شد که ایران نیز از کشورهای
موسس آن بود. پیش از پیروزی انقلاب
اسلامی چالش‌های زیادی در این حوزه
وجود داشت. به عنوان مثال پیش از انقلاب
شاهد حضور پزشکان خارجی در کشور اعم
از تهران و مناطق محروم بودیم و حتی
این پزشکان با زبان فارسی آشنا نبودند.
در عین حال پیش از انقلاب پوشش
واکسیناسیون در کشور ۳۰ درصد بود، اما
در حال حاضر به پوشش ۱۰۰ درصدی در
این حوزه دست یافته‌ایم. پیش از پیروزی
انقلاب شاهد شیوع بیماری‌های مختلف به

**« یکی از اتفاقات مهمی که در
ایران رخ داد و مشابه‌اش در
دنیا وجود ندارد، ادغام آموزش
پزشکی با بهداشت و درمان
بود. این ادغام مزایا و معایبی
دارد، اما مزایای آن باعث
خودکفایی در علوم سلامت
کشور از نظر کمی و کیفی شده
است؛ به طوری که سال‌ها
است که دیگر نیازی به اعزام
دانشجو در علوم پزشکی به
خارج از کشور وجود ندارد
و این اقدام بسیار کم شده
است.**

ویژه بیماری‌های عفونی بودیم؛ به طوری
که بیماری تراخم که از طریق حشرات
منتقل می‌شد در کشور شایع بود و منجر

اعتماد به نفس ملی و خودباوری



آریتا ظهیری
دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و
ارتقای سلامت دانشگاه تربیت مدرس

به نایبایی افراد می‌شد. شرایط دربار این
بیماری به گونه‌ای بود که حتی هندوستان
در مرزهای ایران قرنطینه ایجاد کرده بود.
همچنین در تبریز ۱۰۰ سال پیش عده زیادی
از مردم به دلیل شیوع بیماری‌های عفونی از
جمله طاعون از بین می‌رفتند؛ به طوری که
جمعیت این شهر به دلیل شیوع این بیماری
به یک سوم کاهش یافت.
قبل از پیروزی انقلاب میزان مرگ و میر
مادران در کشور ۱۳۰ مورد در هر ۱۰۰ هزار
نفر جمعیت بود. همچنین میزان مرگ و میر
کودکان ۱۰۳ نفر به ازای هر هزار نفر بود و
این تعداد در روستاها به ۱۳۱ نفر می‌رسید؛

در عین حال میزان امید به زندگی در
قبل از انقلاب در زنان ۵۷ سال و در
مردان ۵۵ سال بود؛ این در حالی است
که اکنون میزان آن در زنان به ۷۶ و در
مردان به ۷۴ سال رسیده است. یکی
از اتفاقات مهمی که در ایران رخ داد
و مشابه‌اش در دنیا وجود ندارد، ادغام
آموزش پزشکی با بهداشت و درمان
بود. این ادغام مزایا و معایبی دارد، اما
مزایای آن باعث خودکفایی در علوم
سلامت کشور از نظر کمی و کیفی
شده است؛ به طوری که سال‌ها است
که دیگر نیازی به اعزام دانشجو در
علوم پزشکی به خارج از کشور وجود
ندارد و این اقدام بسیار کم شده است.
البته فرصت‌های مطالعاتی و دوره‌های
خاص باید وجود داشته باشد، اما اعزام
به خارج از کشور در رشته‌های پایه
علوم پزشکی بسیار کم است. بر همین
اساس پاسخگویی آموزش و پژوهش به
حوزه سلامت بیشتر از حوزه‌های دیگر
است. وزارت بهداشت در این حوزه نمره
بالایی می‌گیرد.

در ابتدای انقلاب ۷ هزار پزشک
متخصص در کشور حضور داشتند،
این در حالی است که بسیاری از این
پزشکان برای تحصیل به خارج از
کشور رفته بودند، اما در حال حاضر
تعداد پزشکان متخصص در کشور به
۴۵ تا ۴۷ هزار نفر رسیده است. در عین
حال سرعت رشدمان در حوزه پزشکی
عمومی هم قابل ملاحظه بوده است و
اگر اتفاق خوبی در سلامت مردم رخ
داده است به دلیل تلاش این پزشکان
بوده است. استقرار نظام مراقبت‌های
اولیه در روستاها یکی از اقدامات وسیع
جمهوری اسلامی ایران بوده است. باید
توجه کرد که شبکه بهداشتی زمانی
ایجاد شد که کشور در اوج جنگ
کمبروها بود. در آن زمان شبکه‌ای
در روستاها راه‌اندازی شد که باعث
تحول اساسی در شاخص‌های مربوط
به سلامت شد.

در حوزه پیوند رتبه ایران زیر ۲۰ است.
در حوزه سلول‌های بنیادی نیز این
موضوع صدق می‌کند و شیب رشد
مناسبی داریم. از طرفی در کنترل
عوامل خطر باید جدی‌تر عمل کنیم.
در عین حال در حوزه سواد سلامت نیز
وضعیت مناسبی نداریم؛ به طوری که
سواد سلامت ایرانیان نامطلوب است
و ما در حوزه‌هایی مانند چاقی، نشاط
اجتماعی، آلودگی‌های محیط زیستی
و غیره وضعیت قابل قبولی نداریم که
نتیجه آن افزایش بیماری‌های غیرواگیر
است.

فدک مالی که خدا به زهرا (ع) داد



مهسا ستوده
دانشجوی دکتری مهندسی پزشکی
دانشگاه تربیت مدرس

فدک و عوالی را خدا به وسیله پیامبر (ص) به زهرا (ع) داد که در اثر مصالحه با
یهود به تصرف پیغمبر درآمد و احدی از مسلمانان را در آن حقی و سهمی نبود،

منبع: بندگان راز آفرینش، اثر آیت الله دستغیب شیرازی.



باتشکر از روابط عمومی دانشگاه
مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه های نویسندگان است.
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب آزاد است.
استفاده از مطالب نشریه، با ذکر منبع، مانعی ندارد

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سر دبیر و دبیر تحریریه: مصطفی چراغی
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی
محرر طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت



به مناسبت جشن چهل سالگه انقلاب



امجد فرهنگ

شادی نوری

در زمانی که همه فکر می کردند یادها از یاد رفته، نسل به میدان آمده که یاد آور چهل سال یادگاری است و با آمدنش به جهان یاد داده، پای آرمان هایش چلگی که هیچ تا نهضت ظهور ماندگار است.



انسبه فتمی



پیمان گودرزی